

مَوَاعِظُ قِيَمَةٌ

إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

فِي سَوْقِ مَشْهَدٍ

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

رَسُولُ اللَّهِ (ص)

بهترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترین آنها برای بندگانش هستند.

مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

پندهای گران قیمت

رُؤْيَةٌ	الْأُمَّهَاتُ	وَ	الْأَبَاءُ	يُحِبُّ
دیدن	مادران	و	پدران	دوست می‌دارد
وَ	حَالٍ	أَحْسَنِ	فِي	أَوْلَادِهِمْ
و	حال	بهترین	در	فرزندانشان
		دَائِمًا	يُرْشِدُونَهُمْ	لِذَلِكَ
		همیشه	آنان را راهنمایی می‌کنند	به خاطر آن

ترجمه‌ی روان: پدران و مادران دیدن فرزندان‌شان را در بهترین حالت دوست می‌دارند و به‌خاطر آن همیشه آنان را راهنمایی می‌کنند.

الْأَعْمَالِ	وَ	الطَّيِّبَةِ	الْصِّفَاتِ	إِلَى
کارها	و	خوب- پاکیزه	خصلت‌ها	به
تَعَلُّمٍ	وَ	الْحَسَنَةِ	كَالْأَخْلَاقِ	الصَّالِحَةِ
یادگیری	و	نیکو	مانند اخلاق	خوب- شایسته
		الْمَهَارَاتِ	وَ	الْعُلُومِ
		مهارت‌ها- توانمندی‌ها	و	دانش‌ها

ترجمه‌ی روان: به خصلت‌های پاکیزه و کارهای خوب، مانند اخلاق نیکو و یادگیری دانش‌ها و توانمندی‌ها

وَ	الْفُنُونِ	النَّافِعَةِ	وَ	الْإِتِّعَادِ
و	هنرها	سودمند	و	دوری جستن
عَنِ	الْأَرَادِلِ	وَ	التَّقَرُّبِ	إِلَى
از	فرومایگان	و	نزدیک شدن	به
الْأَفَاضِلِ	وَ	الْإِهْتِمَامِ	بِالرِّيَاضَةِ	وَ
شایستگان	و	توجه کردن	به ورزش	و
المُطَالَعَةِ	الْكُتُبِ			
مطالعه	کتابها			

ترجمه‌ی روان: و هنرهای سودمند و دوری جستن از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان و توجه کردن به ورزش و مطالعه‌ی کتابها

وَ	اِحْتِرَامِ	القانونِ	وَ	الْاِقْتِصَادِ
و	احترام گذاشتن به	قانون	و	صرفه‌جویی - میانه‌روی
فِي	اسْتِهْلَاكِ	الماءِ	وَ	الكهرباءِ
در	مصرف کردن	آب	و	برق
وَ	حُسْنِ	التَّغْذِيَةِ	وَ	عَيْرِ
و	نیکویی - خوبی	تغذیه	و	جز - غیر
ذَلِكَ	مِنْ	الصفاتِ	وَ	الأعمالِ
آن	از	خصلت‌ها - ویژگی‌ها	و	کارها

ترجمه‌ی روان: و احترام گذاشتن به قانون و صرفه‌جویی در مصرف آب و برق و خوبی تغذیه و غیر آن (جز آن) از خصلت‌ها و کارها ...

و	في	الْقُرْآنِ	الْكَرِيمِ	نَرَى
و	در	قرآن	بزرگ- ارجمند	می بینیم
لُقْمَانَ	الْحَكِيمِ	يَقْدِّمُ	لِإِتِّبِهِ	مَوَاعِظَ
لقمان	حکیم	تقدیم می کند	به پسرش	پندها
فَيَمِّتَهُ	وَ	هَذَا	مَمْدُوحٌ	تَرْبَوِيٌّ
با ارزش- ارزشمند	و	این	نمونه‌ای- الگویی	تربیتی
لِيَهْتَدِيَ	بِهِ	كُلُّ	الشَّبَابِ	
تا راهنمایی شود	با آن	همه	جوانان	

ترجمه‌ی روان: و در قرآن کریم «لقمان حکیم» را می‌بینیم که به پسرش پندهایی ارزشمند تقدیم می‌کند و این الگویی تربیتی است تا با آن همه‌ی جوانان راهنمایی شوند.

فَ	فَدُ جَاءَ	فِي	الْقُرْآنِ	الْكَرِيمِ
پس	آمده است	در	قرآن	بزرگ- ارجمند
يَا	بُنَيَّ	أَقِمِ	الصَّلَاةَ	وَ
ای	پسرکم	برپا دار	نماز	و
أَمْرٌ	بِالْمَعْرُوفِ	وَ	إِنَّهُ	عَنِ
امر کن	به کار نیک	و	نهی کن- بازدار	از
الْمُنْكَرِ	وَ	اصْبِرْ	عَلَى	مَا
کار زشت	و	صبر کن	بر	آن چه
أَصَابَكَ				
به تو رسید				

ترجمه‌ی روان: و در قرآن کریم آمده است: ای پسرکم! نماز را برپا دار و به کار نیک امر کن و از کار زشت بازدار و بر آن چه به تو رسید صبر و شکیبایی کن.

وَ	عَزَمَ الْأُمُورِ	مِنْ	ذَلِكَ	إِنَّ
و	کارهای مهم	از	آن	بی شک- همانا
لَا تَمَشُ	وَ	لِلنَّاسِ	حَدَّكَ	لَا تُصَعِّرُ
راه نرو	و	برای مردم	رویت را	با تکبر برنگردان
اللَّهِ	إِنَّ	مَرَحًا	الْأَرْضِ	فِي
خداوند	بی شک، همانا	با ناز و خودپسندی	زمین	در
وَ	فَخَوِرَ	مُحْتَالٍ	كُلِّ	لَا يُجِبُّ
و	فخر فروش	خودپسند	هر	دوست ندارد
أَغْضُضُ	وَ	مَشِيكَ	فِي	أَقْصِدُ
پایین بیاور	و	راه رفتن تو	در	میانروی کن
الْأَصْوَاتِ	أَنْكَرَ	إِنَّ	صَوْتِكَ	مِنْ
صداها	زشت ترین	بی شک- همانا	صدایت را	از
		الْحَمِيرِ	صَوْتُ	لِ
		الاغها	صدا	همانا

ترجمه‌ی روان: همانا آن از کارهای مهم است. و با تکبر رویت را برای مردم برنگردان و در زمین با ناز و خودپسندی راه نرو همانا خداوند هر خودپسند فخر فروش را دوست ندارد و در راه رفتنت میاروی کن و صدایت را پایین بیاور همانا زشت ترین صداها همانا صدای الاغها است.

يُحَافِظُ	مَنْ	يُحِبُّ	اللَّهَ	إِنَّ
نگهداری می کند	کسی	دوست می دارد	خداوند	بی شک- همانا
ف	وَقْتِهَا	فِي	الصَّلَاةِ	عَلَى
پس	وقت آن	در	نماز	بر
الدِّينِ	عَمُودَ	إِنَّ	النَّبِيِّ ﷺ	قَدْ قَالَ
دین	ستون	بی شک- همانا	پیامبر (ص)	گفته است
				الصَّلَاةُ
				نماز

ترجمه‌ی روان: همانا خداوند کسی را که از نماز در وقت آن نگهداری می کند، دوست دارد، پیامبر (ص) فرموده است: «همانا ستون دین نماز است»

و	عَلَيْنَا	أَنْ	تَكُونَنَّ	مُشْتَاقِينَ
و	ما باید- بر ما واجب است	که	باشیم	علاقمندان
إِلَى	الْأَعْمَالِ	الصَّالِحَةِ	وَ	نَاهِينَ
به	کارها	نیکو- شایسته	و	بازدارندگان
عَنْ	الْمُنْكَرِ	وَ	صَابِرِينَ	عَلَى
از	کار زشت	و	شکیبایان	بر
الْمَشَاكِلِ	وَ	الشَّدَائِدِ	فَإِنَّ	ذَلِكَ
مشکلات	و	سختی‌ها	پس همانا	آن
مِنْ	الْأُمُورِ	الْمُهْمَةِ		
از	کارها	مهم		

ترجمه‌ی روان: و باید به کارهای شایسته علاقمند باشیم و بازدارنده از کار زشت و شکیبا بر مشکلات و سختی‌ها؛ چه آن از کارهای مهم است.

و	عَلَيْنَا	أَنْ	تَتَوَاضَعَ	أَمَامَ
و	ما باید- بر ما واجب است	که	فروتن باشیم	در برابر
أَسَائِدَتِنَا	وَ	أَصْدِقَائِنَا	وَ	زُمَّلَاتِنَا
استادانمان	و	دوستانمان	و	همشاگردی‌هایمان
وَ	جيراننا	وَ	أَقْرَبَائِنَا	وَ
و	همسایگانمان	و	نزدیکانمان - خویشاوندانمان	و
كُلِّ	مَنْ	حَوْلِنَا		
همه	کسانی که	اطراف ما - پیرامون ما		

ترجمه‌ی روان: و ما باید در مقابل استادانمان و دوستانمان و همشاگردی‌هایمان و همسایگانمان و نزدیکانمان و همه‌ی کسانی که در اطراف ما هستند فروتن باشیم؛

ف	قَدْ قَالَ	الْإِمَامُ	الْكَاطِمُ (ع)	الْحِكْمَةُ
پس	گفته است	امام	کاظم (ع)	دانش
تَعْمُرُ	فِي	قَلْبِ	الْمُتَوَاضِعِ	وَ
عمر می‌کند	در	دل	فروتن	و
لا تَعْمُرُ	فِي	قَلْبِ	الْمُتَكَبِّرِ	الْجَبَّارِ
عمر نمی‌کند	در	دل	خودپسند - خودبزرگبین	ستمکار زورمند

ترجمه‌ی روان: امام موسی کاظم (ع) فرموده است: «دانش در دل (انسان) فروتن عمر می‌کند و در دل خودپسند (خودبزرگ‌بین) ستمکار زورمند عمر نمی‌کند.»

إِنَّ	اللَّهَ	لَا يُحِبُّ	كُلَّ	مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ
بی‌شک - همانا	خداوند	دوست ندارد	هر	خودپسند
إِذَنْ	عَلَيْنَا	أَنَّ	لَا تَتَكَبَّرَ	عَلَى
بنابراین	ما باید، بر ما واجب است	که	تکبر نورزیم	بر
الْآخَرِينَ				
دیگران				

ترجمه‌ی روان: همانا خدا هر خودپسندی را دوست ندارد. بنابراین ما باید به دیگران تکبر نورزیم.

وَ	الْمُتَكَبِّرِينَ	لا يُحِبُّ	اللَّهِ	فَإِنَّ
و	خودبزرگ‌بینان - خودپسندان	دوست ندارد	خداوند	پس همانا
فَوْقَ	أَصْوَاتِنَا	لا تَرْفَعُ	أَنَّ	عَلَيْنَا
بالا	صداهايمان	بالا نبريم	که	ما بايد - بر ما واجب است
			الْمُخَاطَبِ	صَوْتِ
			مخاطب - شخص روبه‌رو	صدا

ترجمه‌ی روان: پس همانا خداوند خودبزرگ‌بینان را دوست ندارد و ما نباید که صداهايمان را بالای صدای مخاطب (شخص روبه‌رو) بالا ببريم.

مَنْ	كَلَامٍ	اللَّهُ	قَدْ شَبَّهَ	فَ
کسی که	سخن	خداوند	شبيه کرده است - مانند کرده است	پس
مَنْطِقِيَّ	دَلِيلٍ	دُونَ	صَوْتَهُ	يَرْفَعُ
منطقی - درست	دليلی، علتی	بدون	صدایش	بالا می‌برد
		الْحِمَارِ	صَوْتِ	بِ
		الاغ	صدا	به

ترجمه‌ی روان: پس خداوند سخن کسی که صدایش را بدون دليل منطقی بالا می‌برد به صدای الاغ تشبيه کرده است.

جعبه لغات

مُخْتَالٌ: خودپسند (= مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ، مُتَكَبِّرٌ) ≠ مُتَوَاضِعٌ	جَبَّارٌ: ستمکار زورمند (= قَادِرٌ، قَاهِرٌ) (صفت خدا به معنای توانمند)	إِدْنٌ: بنابراین
مَرَحًا: شادمانه و با ناز و خودپسندی	حَمِيرٌ: خرها (مفرد: حِمَارٌ)	إِسْتِهْلَاكٌ: مصرف کردن (ماضی: اِسْتَهْلَكْتُ؛ مضارع: يَسْتَهْلِكُ)
مَشَى: راه رفتن (= سِيرٌ)	خَدٌّ: گونه (جمع: خُدُودٌ، أَخْدَةٌ)	أَغْضَضُ مِنْ صَوْتِكَ: صدایت را پایین بیاور (ماضی: غَضَّ؛ مضارع: يَغْضُضُ)
مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ: خودپسند (= مُخْتَالٌ) (≠ مُتَوَاضِعٌ) إِعْجَابٌ بِالنَّفْسِ: خودپسندی	شَبَّهَ: تشبیه کرد (مضارع: يُشَبِّهُ؛ مصدر: تَشْبِيهُ)	اقْصِدْ: میانه روی کن (ماضی: قَصَدْتُ؛ مضارع: يَقْصِدُ)
مُنْكَرٌ: کار زشت (= فُجُورٌ، فَحْشَاءٌ، قَبِيحٌ)	عَزَمَ الْأُمُورَ: کارهای مهم	أَقِمِ: بر پای دار «أَقِمِ الصَّلَاةَ: نماز را بر پای دار» (ماضی: أَقَامَ، مضارع: يَقِيمُ؛ مصدر: إِقَامَةٌ)
ناهي، ناه: بازدارنده (جمع: نَاهُونَ، نَاهِيْنَ وَ نُهَاءٌ) (≠ أَمْرٌ)	فَخَّرُوا: فخر فروش (= مُفْتَخِرٌ، مُخْتَالٌ) (≠ مُتَوَاضِعٌ)	اِقْتِصَادٌ: صرفه جویی (ماضی: اِقْتَصَدْتُ؛ مضارع: يَقْتَصِدُ) (≠ اِسْرَافٌ)
مَوْدُجٌ: هونه (جمع: مَآذِجٌ)	فُنُونٌ: هنرها (مفرد: فَنٌّ)	أَنْكَرَ: زشت تر، زشت ترین (= أَقْبَحَ) (≠ أَجْمَلَ) (إِسْمُ التَّفْضِيلِ)
يُقَدِّمُ: تقدیم می کند، پیش می فرستد (ماضی: قَدَّمَ؛ مصدر: تَقْدِيمٌ) (= يُعْطِي، يُهْدِي)	قَيِّمٌ: ارزشمند (= تَمَيَّنٌ) (≠ بَخْسٌ)	إِنَّهُ: باز دار (ماضی: نَهَى؛ مضارع: يَنْهَى) (≠ أَوْمَرُ)
حَيٌّ: بشتاب (فعل أمر) (= عَجَلٌ)	لَ: بی گمان (حرف تأکید)	أَوْمَرُ: (فعل أمر) دستور بده «وَأَوْمَرُ = وَ أَمْرٌ» (≠ إِنَّهُ)
أَلْفَلَقٌ: سپیده دم (≠ الشَّقِيقُ) (جمع: الأَفْلاقُ)	لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ: با تکبر رویت را برنگردان (ماضی: صَعَّرَ؛ مضارع: يُصَعِّرُ)	تَرْبُويٌّ: پرورشی «تَرْبِيَّةٌ + ي»
أَهْدَى: هدیه کرد (= أَعْطَى) (مضارع: يُهْدِي؛ مصدر: إِهْدَاءٌ)	لَا تَمَشْ: راه نرو (فعل نهی) (ماضی: مَشَى؛ مضارع: يَمْشِي؛ امر: اِمْشِ)	تَعَمَّرَ: عمر می کند، در اینجا یعنی «ماندگار می شود» (ماضی: عَمَرَ)
غَلَبَتْ: چیره شد	لِيَهْتَدِيَ: تا راهنمایی شود (ماضی: اِهْتَدَى؛ مصدر: اِهْتِدَاءٌ)	جَادَلٌ: ستیز کن (مضارع: يَجَادِلُ؛ مصدر: مُجَادَلَةٌ) (جَادَلٌ = نَارَعَ، عَارَصَ)
نَوْعِيَّةٌ: جنس	سِعْرٌ: قیمت (جمع: أَسْعَارٌ)	ضَلٌّ: گمراه شد (≠ اِهْتَدَى) (مضارع: يَضِلُّ؛ مصدر: ضَلَالٌ)
تَخْفِيفٌ: تخفیف (ماضی: خَفَّضَ؛ مضارع: يُخَفِّضُ) (= تَقْلِيلٌ)	زَمِيلٌ: همکار (جمع: زُمَلَاءٌ)	مَتَجَرَّ: مغازه
المُهَانُ: خوار (= حَقِيرٌ، دَنِيءٌ)	مَهَلًا: آرام باش	مَيَّرَ: (فعل أمر) جدا و سوا کن (ماضی: مَيَّرَ؛ مضارع: يُمَيِّرُ؛ مصدر: تَمْيِيرٌ)
الصَّمْتُ: دم فرو بستن (= السُّكُوتُ)	الشَّامِتُ: دشنام دهنده (اسم فاعل)	دَعَّ: رها کن (ماضی: وَدَعَ؛ مضارع: يَدَعُ)
عَذَّبَ: عذاب داد (مضارع: يُعَذِّبُ؛ مصدر: تَعْذِيبٌ)	سَاءَ: بد شد (مضارع: يَسُوءُ) (≠ حَسَنٌ)	عَاقَبَ: کیفر کرد (مضارع: يُعَاقِبُ؛ مصدر: مُعَاقَبَةٌ)
مِيزَانٌ: ترازو (ترازوی اعمال) (جمع: مَوَازِينٌ)	حَسَّنَتْ: نیکو گردانیدی (مضارع: يُحَسِّنُ؛ مصدر: تَحْسِينٌ)	لَا تَهَمَّ: تا کامل کنم (ماضی: تَمَّمْتُ؛ مضارع: يُتَمِّمُ؛ مصدر: تَتَمِيمٌ)

جواز (فی سوقِ مشهدِ المقدّسة)

گفت‌وگو (در بازار مشهد مقدس)

بائع الملباس فروشنده‌ی لباس	الزائرة العربية زائر عرب
عليكم السلام، مرحباً بك. درود بر شما باد، خوش آمدید.	سلام عليكم. درود بر شما.
ستون ألف تومان. شصت هزار تومان.	كم سعر هذا القميص الرجالي؟ قیمت این پیراهن مردانه چند است؟
عندنا بخمسين ألف تومان. پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.	أريد أرخص من هذا، هذه الأسعار غالية. ارزان‌تر از این می‌خواهم، این قیمت‌ها گران است.
أبيض وأسود وأزرق وأحمر وأصفر وبنفسجي. سفید و مشکی و آبی و قرمز و زرد و بنفش.	أي لون عندكم؟ چه رنگی دارید؟
تبدأ الأسعار من خمسة و سبعين ألفاً إلى خمسة و ثمانين ألف تومان. قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار تومان شروع می‌شود تا هشتاد و پنج هزار تومان.	بكم تومان هذه الفساتين؟ این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟
سيدي، يختلف السعر حسب النوعيات. سرور من، قیمت با توجه به جنس‌ها فرق دارد.	الأسعار غالية! قیمت‌ها گران است!
السروال الرجالي يتسع ألف تومان و السروال النسائي بخمسة و تسعين ألف تومان. شلوار مردانه نود هزار تومان، و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.	بكم تومان هذه السراويل؟ این شلوارها چند تومان است؟
ذلك متجّر زميلي، له سراويل أفضل. آن مغازه‌ی همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد.	أريد سراويل أفضل من هذه. شلوارهایی بهتر از این‌ها را می‌خواهم.
في متجّر زميله... در مغازه‌ی همکارش ...	
صار المبلغ مئتين و ثلاثين ألف تومان. أعطني بعد التخفيض مئتين و عشرين ألفاً. مبلغ دوپست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف، به من دوپست و بیست هزار تومان بدهید.	رجاء، أعطني سروالاً من هذا النوع. كم صار المبلغ؟ لطفاً یک شلوار از این نوع به من بده. مبلغ چند شد؟

اسم التفضیل و اسم المکان

در سال دهم با وزن‌هایی آشنا شدیم که هر کدام معنا و مفهوم خاصی دارند^۱، «اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه» از این دسته بودند، در این درس با دو نوع دیگر از این مجموعه اسم‌ها آشنا می‌شویم:

اسم التفضیل

در درس فارسی با «صفت برتر» و «صفت برترین» آشنا شده‌ایم، هرگاه بخواهیم دو چیز را با هم بسنجیم و یکی را بر دیگری برتری دهیم، از **صفت برتر** یا صفت تفضیلی استفاده می‌کنیم، اما وقتی می‌خواهیم یک چیز را با چیزهای دیگر (انواع مختلف) مقایسه کنیم، از **صفت برترین** یا صفت عالی استفاده می‌کنیم، برای ساختن صفت برتر و برترین به شکل زیر عمل می‌کنیم:

صفت ساده + تر ← صفت برتر صفت ساده + ترین ← صفت برترین

صفت ساده	صفت برتر	صفت برترین
زیبا	زیباتر	زیباترین
پاک	پاک‌تر	پاک‌ترین

📌 **نکته** در زبان فارسی، صفت برتر را پس از اسم و صفت برترین را پیش از اسم به کار می‌بریم:

📌 **مثال** درخت زیباتر / زیباترین درخت

در زبان عربی به صفت برتر/ برترین، «اسم تفضیل» می‌گوییم و هنگام ساختن آن برای مذکر و مؤنث از دو وزن متفاوت استفاده می‌نماییم:

مثال	وزن	اسم تفضیل (مذکر)
أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)، أَحْسَنُ (نیکوتر، نیکوترین)، أَفْضَلُ (برتر، برترین)	أَفْعَلُ	اسم تفضیل (مذکر)
كُبْرَى (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین)، حُسْنَى (نیکوتر، نیکوترین)، فَضْلَى (برتر، برترین)	فُعْلَى	اسم تفضیل (مؤنث)

📌 **مثال** آسیا أكبر من أوروبا! / آسیا بزرگ‌تر از اروپاست! / آسیا أكبر قارات العالم! / آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های دنیاست!

^۱ به اسم‌هایی که بر وزن‌های خاصی از ریشه‌های مختلف می‌آیند و معنا و مفهوم مشخصی می‌سازند، اسم‌های مشتق می‌گوییم. اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه و ... از معروف‌ترین انواع اسم‌های مشتق هستند.

👉 **نکته** گاهی اسم تفضیل مذکر بر وزنی شبیه «أفعی» می‌آید:

أعلى (بلندتر، بلندترین) أغلی (گران‌تر، گران‌ترین) أذکی (باهوش‌تر، باهوش‌ترین) أقوی (قوی‌تر، قوی‌ترین)

👉 **نکته** گاهی دو حرف از سه حرف ریشه‌ی یک فعل، مثل هم دیگرند (مانند: ح ب ب، ش د د)، در این حالت اسم تفضیل همراه با

تشدید روی حرف تکراری ساخته می‌شود و در تشخیص آن باید دقت کنیم:

👉 **مثال** ریشه‌ی فعل (ح ب ب) ← اسم تفضیل: أَحَبَّ [محبوب‌تر] ریشه‌ی فعل (ق ل ل) ← اسم تفضیل: أَقَلَّ [کمتر]

ریشه‌ی فعل (ش د د) ← اسم تفضیل: أَشَدَّ [شدیدتر] ریشه‌ی فعل (ه م م) ← اسم تفضیل: أَهَمَّ [مهم‌تر]

📌 مراقب باشید در تشخیص دو اسم مهم زیر دچار اشتباه نشوید:

اسم	وزن (نوع)	مؤنث آن	معنای فارسی
أخَر	أفَعَلَ (اسم تفضیل)	أخْرَى	دیگر
آخِر	فَاعِل (اسم فاعل)	آخِرَة	پایان (همان آخر خودمان!)

👉 **نکته** اسم تفضیل مانند سایر اسم‌ها می‌تواند جمع بسته شود، معمولاً جمع مکسر آن بر وزن «أفَاعِل» می‌آید:

👉 **مثال** «أرَادِل» جمع مکسر «أرَادَل» و «أفَاضِل» جمع مکسر «أفَاضَل» و هر دو اسم تفضیل هستند.

📌 باید مراقب باشید اسم تفضیل را با فعل ماضی از باب افعال (که بر وزن «أفَعَلَ» می‌آید)، فعل مضارع اول شخص مفرد (که همیشه در پایانش ضمّه می‌آید) و فعل امر برای مفرد مذکر اشتباه نگیرید:

👉 **مثال** «قَدْ أَحْسَنَ الْمُؤْمِنُ إِلَى النَّاسِ!» ← «أَحْسَنَ» فعل ماضی سوم شخص از باب افعال است.

👉 **مثال** «إِنِّي أَرْفَعُ عِلْمَ إِيْرَانِ!» ← «أَرْفَعُ» فعل مضارع اول شخص مفرد است.

👉 **مثال** «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكَ مِنَ السَّمَاءِ!» ← «إِرْحَمْ» فعل امر برای مفرد مذکر است.

📌 اسم رنگ‌ها بر وزن «أفَعَلَ» می‌آید اما هیچ‌کدام اسم تفضیل نیستند؛ «أخْضَرَ، أبيض، أسود، أَحْمَرُ و...» هیچ‌کدام اسم تفضیل نیستند.

👉 **نکته** همان‌طور که گفته شد اسم تفضیل برای مؤنث بر وزن «فُعَلَى» می‌آید:

👉 **مثال** فاطمةُ الكُبرى (فاطمه بزرگ‌تر) / هي الفضلى (او برتر است).

اما وقتی دو اسم مؤنث با هم مقایسه می‌شوند و بینشان «مِن» می‌آید، همان وزن «أفَعَلَ» استفاده می‌شود:

👉 **مثال** «بنتي أصغرُ من فاطمة!» (دخترم کوچک‌تر از فاطمه است!) ← دو اسم مؤنث مقایسه شده‌اند، پس اسم تفضیل به‌صورت

وزن «أفَعَلَ» استفاده شده است.

👉 **نکته** همان‌طور که گفته شد اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است:

۱ هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، به صورت «صفت برترین» فارسی ترجمه می‌شود:

مثال سورة البقرة أكبر سورة في القرآن! :سورهی بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است!

مثال أحمد أكبر البنين في الأسرة! : احمد بزرگ‌ترین فرزندان در خانواده است!

۲ غیر این صورت اسم تفضیل به صورت «صفت برتر» ترجمه می‌شود:

مثال أحمد أكبر من أخيه! : احمد بزرگ‌تر از برادر خود است!

مثال شاهدت الأخ الأكبر في الملعب! : برادر بزرگ‌تر را در ورزشگاه دیدم!

نکته «خَيْر» و «شَر» گرچه بر وزن اسم تفضیل نیستند، اما گاهی می‌توانند اسم تفضیل واقع شوند، حالت‌های مختلف این دو اسم در

جدول زیر بررسی شده است:

حالت‌ها	معنی	نوع کلمه	مثال
حالت اول	خیر: خوبی شَر: بدی	مصدر	لا خَيْرَ فِي مُجَالَسَةِ الْجَاهِلِ! : هیچ خوبی در هم‌نشینی با نادان نیست!
حالت دوم	خیر: خوب شَر: بد	صفت ساده	السَّعَادَةُ هَمْرُ الْعَمَلِ الْخَيْرِ! : خوش‌بختی نتیجه‌ی کار خوب است!
حالت سوم	خیر: بهتر، بهترین شَر: بدتر، بدترین	اسم تفضیل	أَنْتَ خَيْرٌ مِنْ جَمِيعِ التَّلَامِيذِ! : تو بهتر از همه‌ی دانش‌آموزان هستی! خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا! : بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست!

اسم المكان

یکی دیگر از وزن‌های مهم، «اسم مکان» است که بر مکان دلالت می‌کند، این اسم معمولاً بر وزن «مَفْعَل» و «مَفْعِل» می‌آید:

مثال «مَلْعَب»: ورزشگاه ← مکان ورزش کردن «مَطْعَم»: رستوران ← مکان غذا خوردن «مَصْنَع»: کارخانه ← مکان ساختن

«مَحْمِل»: کجاوه ← مکان حمل کردن «مَنْزِل»: خانه ← مکان نزول کردن «مَغْرِب»: مغرب ← مکان غروب کردن

نکته برای این‌که هیچ‌گاه وزن‌های اسم مکان را فراموش نکنید، عبارت «مَسْنِدٌ وَ مَعْبَدٌ» را به‌خاطر بسپارید!

گاهی اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَة» می‌آید، باید دقت داشت که این وزن به معنای مؤنث بودن کلمه نیست:

«مَدْرَسَة»: مدرسه

«مَطْبَعَة»: چاپخانه

مثال «مَكْتَبَة»: کتابخانه

تنها اسمی به عنوان «اسم مکان» شناخته می‌شود که بر وزن‌های گفته شده آمده باشد، باید مراقب باشیم که هر اسمی را که معنای مکان می‌دهد، اسم مکان در نظر نگیریم؛ اسم‌هایی مانند: تحت (زیر)، غابة (جنگل)، بلاد (کشور)، مَدِينَة (شهر) و... که هیچ یک بر وزن‌های مشخص شده نیامده‌اند، اسم مکان محسوب نمی‌شوند.

اسم مکان به صورت جمع مکسر و بر وزن «مَفَاعِل» جمع بسته می‌شود:

مَدْرَسَة ← مدارس

مَكْتَبَة ← مكاتب

مَطْعَم ← مطاعم

مثال مَلْعَب ← ملاعب

در جدول زیر همی اسم‌های وزن‌دار و مفهوم‌داری که سال گذشته و امسال فوایدیم، جمع‌بندی شده است:

نوع	وزن	مفهوم	مثال
اسم فاعل	فعل‌های گروه اول: فاعِل	انجام‌دهنده‌ی کار	شاکِر : سپاس‌گزار
	فعل‌های گروه دوم: مُ ... ـ		مُعَلِّم : آموزش‌دهنده، آموزگار
اسم مفعول	فعل‌های گروه اول: مَفْعول	مورد کار واقع شده	مَشْكور : مورد سپاس واقع شده
	فعل‌های گروه دوم: مُ ... ـ		مُعَيَّن : مشخص شده
اسم مبالغه	«فَعَال» و «فَعَالَة»	فراوانی صفت	فَهَام : بسیار فهیم عَلَامَة : بسیار دانا
اسم تفضیل	مذکر : أَفْعَل	صفت برتر/ برترین	أَفْضَل : برتر، برترین
	مؤنث : فُعْلی		فُضْلی : برتر، برترین
اسم مکان	«مَفْعَل» و «مَفْعِل»	دلالت بر مکان	مَلْعَب : ورزشگاه مَحْمِل : کجاوه

بارم	مکمل و مرتبط با صفحه‌های ۱ تا ۱۴ کتاب درسی	(دیف)
۲	الف. تَرْجِمَ مَا تَحْتَهُ حَطًّا: إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ. إِذْنٌ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخَرِينَ. ب. اُكْتُبَ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ: أَنْكَرَ / مُهْتَدِي / مُتَوَاضِع / أَرْحَصَ / أَقْبَحَ / فَخُور = ج. عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُتَنَائِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى فِي الْمَعْنَى: ۱. أَحَبَّ - صُغْرَى - أَنْفَع - أَسْوَدَ ۲. خَفِيَ - مَطْعَمَ - مَخْبُوءَ - مَكْتُومَ د. اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ: أَفَاضِلُ: الْفَنُّ:	۱
۵	تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ: الف) ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾ ب) ﴿وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ ج) يُرْشِدُ الْأَوْلَادَ إِلَى الْاِقْتِصَادِ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَالْكَهْرَبَاءِ. د) عَلَيْنَا أَنْ نَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَصْدِقَائِنَا وَ زَمَلَاتِنَا وَ الْجِيرَانِ وَ كُلِّ مَنْ حَوْلَنَا. ه) مَا لِرُضَى الْمُؤْمِنِ رَبُّهُ بِمِثْلِ الْحَلِيمِ.	۲
۰/۵	عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: الف. ﴿ وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ ﴾: ۱. و از مردم رو بر نمی گردانی. □ ۲. با تکبر از مردم رویت را بر نگردان. □ ب. الْأَشْعَارُ غَالِبَةٌ: ۱. قیمت‌ها گران است. □ ۲. اجناس ارزان است. □	۳
۱/۵	إِمْلَأْ فَرَاقَاتِ التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ: ۱. ﴿ وَ اقْضِ فِي مَشِيكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴾ و در ... ت میان‌ه‌رو باش و از صدایت بکاه، زیرا ... صداها قطعاً صدای ... است. ۲. اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي.:: خداوندا همچنان که ... را نیکو گردانیدی ... را	۴
۱	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا: ۱. أَنَا لَا أَعْرِفُكَ. ۲. أَنْصُرُوا الَّذِينَ نَصَرُوكُمْ فِي الصُّعُوبَاتِ. ۳. النَّلَامِيدُ مَا صَحَّحُوا بِصَوْتِ مُرْتَفِعٍ. ۴. إِنِّي سَأَسْأَلُهُ إِلَى الْقَرِيبَةِ.	۵
۱/۵	الف. عَيِّنِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ: ﴿فَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾ فَلَا تَرْفَعْ أَصْوَاتِنَا؛ قَدْ شَبَّهَ اللَّهُ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْجِمَارِ. ب. عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ: ۱. فعل الأمر: ← عَلِّمُوا □ عَلَّمْنَا □ عَلَّمَنَ □ ۲. الفعل الماضي ← اجْلَسْنَا □ اجْلَسُوا □ اجْلَسُوا □	۶

٧	الف. عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ تَرَجِّمُهُ: ١. ذَلِكَ مَشَجَرٌ صَدِيقِي لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ. ٢. فِي هَذَا الشَّارِعِ مَطَاعِمٌ كَثِيرَةٌ. ب. عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي التَّوَجُّعِ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ: مَزَارِعٌ □ مَكْتَبَةٌ □ مُحَاوَلَةٌ □ مَخَازِنٌ □	١/٥
٨	الف. عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ تَرَجِّمُهُ: ١. حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ. ٢. هَذَا الطَّعَامُ أَقْلٌ مِنْ ذَاكَ. ب. عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ لِلْمَوْتِ: (أَعْلَى □ ، كُبْرَى □) ج. عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: جَبَلٌ دِمَاوَنْدٌ ... جَبَلٌ دَنَا. (أَعْلَى مِنْ □ - أَعْلَى □)	١/٥
٩	أَعْرَبْ مَا تَحْتَهُمَا خَطًّا: عَدَاوَةٌ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.	١
١٠	عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ: ذَلِكَ مَشَجَرٌ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ!	٠/٥
١١	اَكْتُبِ الْعَمَلِيَّةَ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ (١٤ = ٤ + ١٠): عَشْرَةٌ زَائِدٌ خَمْسِينَ يُسَاوِي سِتِّينَ.	٠/٥
١٢	صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدَ الْمُنَاسِبَ « كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ »: ١. الْأَبْيَضُ ○ الْمُسْتَبِدُّ الَّذِي لَا يَرَى لِأَخِي عَلَيْهِ حَقًّا. ٢. الْمُنْكَرُ ○ مَكَانٌ لِلرِّيَاضَةِ. ٣. الْغَالِي ○ الْعَمَلُ السَّيِّئُ وَ الْقَبِيحُ. ٤. الْمَلْعَبُ ○ لَوْنُ مَلَابِسِ الْمُمَرِّضَاتِ. ٥. الْحَذُّ ○ شَيْءٌ لَيْسَ رَخِيصًا. ٦. التَّخْفِيفُ ○ قِسْمٌ مِنْ صَفْحَةِ الْوَجْهِ. ٧. الْجُبَارُ ٨. الْمَطْعَمُ	١/٥
١٣	عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةَ: ✓ x ١. يَجِبُ أَنْ لَا تَرْفَعِ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ مَنْ نَتَكَلَّمُ مَعَهُ. ٢. الْمَطْبَعَةُ مَكَانٌ لَطَبِخِ الطَّعَامِ. ٣. عَلَيْنَا أَنْ نَتَكَبَّرَ عَلَى إِخْوَانِنَا وَ أُخْوَاتِنَا. ٤. الْإِعْجَابُ بِالنَّفْسِ لَيْسَ عَمَلًا مَقْبُولًا. ٥. سِعْرُ الْفِطْرَةِ أَرْخَصُ مِنَ الذَّهَبِ. ٦. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.	١/٥
١٤	الف. أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِيِ: فِي أَيِّ مَحَافِظَةِ مَدِينَةُ أَهْوَازُ؟ ب. رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اَكْتُبِ سَوْالًا وَ جَوَابًا صَحِيحًا: الْأَلْوَانُ / عِنْدَكُمْ / هَذَا الْقَمِيصُ / أَيُّ / أَسْوَدُ وَ أَرْزُقُ / مِنْ / ؟ / . /	٠/٥
٢٠		

سوالات چهارگزینه‌ای

ترجمه و مفهوم

۱۵. «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»:

(مکمل اختبر نفسک، صفحه‌ی ۸، کتاب درسی)

- ۱ با دانش و اندرز نیکوتر به راه پروردگار خویش دعوت کن و به [شیوه‌ای] بهتر با ایشان بحث کن.
- ۲ با دانش و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که بهتر است گفت و گو کن.
- ۳ به راه پروردگار خویش فرا بخوان با دانش و پند و به [طریقی] که بهتر است با آنها به جدال بپرداز.
- ۴ به راه پروردگارت با حکمت و نصیحت خوب دعوت کن و با آنها به [روشی] که مناسب است جدل کن.

۱۶. «إِذْنِ، أَيُّهَا السَّبَابِ، يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَحَافِظَ عَلَى الصَّلَاةِ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا!»: بنابراین ...

(ترجمه‌ی ترکیبی)

- ۱ جوانان باید نماز اول وقت را نگهداری کنند!
- ۲ ای جوان از نماز در اول وقتش نگهداری کن!
- ۳ ای جوانان شما باید از نمازهای اول وقت محافظت کنید!
- ۴ ای جوانان، ما باید از نماز در اول وقتش نگهداری کنیم!

۱۷. «إِذَا ظَهَرَ لَكَ عَيْبٌ مِنْ إِنْسَانٍ لَا تَذْكُرُهُ لِلنَّاسِ!»:

(ترجمه‌ی ترکیبی)

- ۱ هرگاه عیبی از انسانی برای تو آشکار شد آن را برای مردم نقل نکن!
- ۲ چنانچه نقصی از یک انسان بر تو نمایان گشت برای دیگران ابراز نکن!
- ۳ اگر مشکلی از یک شخص برایت ظاهر گردید نباید برای مردم ذکر شود!
- ۴ وقتی که فردی عیب تو را آشکار کرد از وی نزد اشخاص بدگویی نکن!

۱۸. «إِخْتِقَارُ الْآخِرِينَ عَمَلٌ يَكْرَهُهُ كُلُّ عَاقِلٍ!»:

(ترجمه‌ی ترکیبی)

- ۱ حقیر شمردن افراد دیگر رفتارِ کسی که است که تمام خردمندان از او نفرت دارند!
- ۲ به چشم حقارت نگرستن به دیگران عملی است که هر عاقلی را ناراحت می‌کند!
- ۳ تحقیر شدن دیگر افراد کاری است که همه‌ی خردمندان از آن پرهیز می‌کنند!
- ۴ کوچک شمردن دیگران کرداری است که هر خردمندی آن را ناپسند می‌دارد!

۱۹. «لِي صَدِيقٌ يُلَقَّبُ بِأَصْدِقَائِهِ بِأَلْقَابٍ يَكْرَهُنَّهَا فَهُوَ مِنْ أَحْسَرِ الْخَاسِرِينَ!»:

(ترجمه‌ی ترکیبی)

- ۱ دوستم در نزد من به دوستان خود لقب‌هایی می‌دهد که ناپسند هستند، پس او از خسارت‌دیده‌ترین افراد است!
- ۲ برای من دوستی است که به دوستانش لقب‌هایی می‌دهد که دوست ندارم، پس او از زیان‌کارترین زیان‌کاران است!
- ۳ دوستی دارم که دوستان خود را با لقب‌هایی می‌خواند که خوششان نمی‌آید، پس او زیان‌کارتر از زیان‌کاران است!
- ۴ دوستی دارم که به دوستانش لقب‌هایی می‌دهد که ناپسند دارند، پس او از زیان‌کارترین زیان‌کاران است!

۲۰. «قَدْ نَكَرَهُ حَيَاتِنَا لِأَنَّهَا لَا نَنْظُرُ إِلَى جَمَالِهَا وَ نَنْسَى أَيْمَانَهَا الْفَرِحَةَ!»:

(ترجمه‌ی ترکیبی)

- ۱ شاید زندگی را دوست نداشته باشیم زیرا به زیبایی آن نگاه نکرده‌ایم و روزهای شاد آن را از یاد برده‌ایم!
- ۲ گاهی زندگیمان را دوست نداریم چون به زیبایی آن نمی‌نگریم و روزهای شادش را فراموش می‌کنیم!
- ۳ گاهی زندگیمان را ناپسند می‌پنداریم چون به زیباییش نگاه نمی‌کنیم و فراموش می‌کنیم روزهای زیبا دارد!
- ۴ شاید زندگی خود را ناپسند داریم ولی به جمال آن نگاه نمی‌کنیم و روزهای خوش آن را فراموش می‌کنیم!

۲۱. «الَّذِي لَمْ يَثْبُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا يُغْفَرُ ذُنُوبُهُ أَبَدًا لِأَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ فِي هَذَا الشَّهْرِ خَيْرًا كَثِيرًا!»:

(ترجمه‌ی ترکیبی)

- ۱ هرکس در ماه رمضان توبه نکند، خدا گناهانش را نمی‌آمرزد، زیرا در این ماه خیر فراوانی قرار داده شده است!
- ۲ فردی که در ماه رمضان نتوانست توبه کند، گناهانش بخشیده نشد، چون خداوند خیر و خوبی را در این ماه قرار داده است!
- ۳ کسی که در ماه رمضان توبه نکرد، هیچ‌گاه گناهانش آمرزیده نمی‌شود، زیرا خدا در این ماه خیر زیادی قرار داده است!
- ۴ هرکس در ماه رمضان توبه نکرد، خدا گناهان او را هرگز نمی‌آمرزد، چون در این ماه برکت زیادی قرار داده شده است!

۲۲. «سُئِيتِ سُورَةُ الرَّحْمَنِ بِعُرْسِ الْقُرْآنِ بِسَبَبِ الْمَفَاهِيمِ الْجَمِيلَةِ الَّتِي نَتَعَلَّمُ مِنْهَا!»:

(ترجمه‌ی ترکیبی)

- ۱ سوره‌ی الرحمن را عروس قرآن نام نهاده‌اند به دلیل این‌که مفاهیم‌های زیبایی را از آن یاد گرفته‌ایم!
- ۲ سوره‌ی الرحمن به دلیل مفاهیم زیبایی که از آن یاد می‌گیریم، عروس قرآن نامیده شده است!
- ۳ به سبب مفاهیم خوبی که از سوره‌ی الرحمن می‌آموزیم، این سوره را عروس قرآن نامیده است!
- ۴ سوره‌ی الرحمن عروس قرآن نامیده شده زیرا مفاهیمی که به ما یاد می‌دهد، زیبا هستند!

۲۳. «مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ تَظَاهُرُهُ بِالْغَفْلَةِ عَنِ أَخْطَاءِ الْآخِرِينَ!»:

(ترجمه‌ی ترکیبی) (سراسری هنر ۹۳)

- ۱ بهترین کار یک انسان بخشنده تظاهر کردن به بی‌اطلاعی است در مورد خطاهای دیگران!
- ۲ از بهترین کارهای انسان کریم تظاهر کردن اوست به عدم اطلاع درباره‌ی اشتباهات دیگران!
- ۳ از برترین اعمال نیک اشخاص بخشنده این است که اشتباهات دیگران را نادیده بگیرند!
- ۴ برترین اعمال شخص کریم این است که در مورد خطاهای دیگران بی‌اطلاع جلوه کند!

۲۴. «قَدْ تَمَّ اللَّهُ نِعْمَتَهُ عَلَى بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ بِإِعْطَائِهَا قُدْرَةَ سَمْعٍ حَادَّةٍ تُسَاعِدُهَا فِي الطَّيْرَانِ!»: خداوند ... (ترجمه ترکیبی) (سراسری زبان ۸۵)

- ۱ نعمت خود را بر بعضی حیوانات با اعطای قدرت شنوایی قوی‌ای که آن‌ها را در پرواز کمک می‌کند، کامل کرده است!
- ۲ نعمت را بر برخی حیوانات کامل کرده است و آن به وسیله‌ی اعطای قدرت شنوایی قوی و کمک کردن به پرواز آن‌هاست!
- ۳ با بخشیدن قدرت شنوایی تیز به بعضی حیوان‌ها نعمت را تمام کرده است و این نعمت آن‌ها را در پرواز کمک می‌کند!
- ۴ نعمت‌های خود را با بخشیدن قدرت شنوایی نیرومندی به برخی حیوان‌ها و مساعدت آن‌ها در پرواز تمام کرده است!

۲۵. «يَا عِبَادَ اللَّهِ! لَا تَحْزَنُوا فَإِنَّكُمْ فِي أَعْلَى دَرَجَةٍ إِنْ كُنْتُمْ مُحِبِّينَ لَهُ!»: ای بندگان خدا ... (ترجمه ترکیبی) (سراسری تجربی ۸۷)

- ۱ غم مخورید، چه شما اگر دوستدار او باشید در برترین مرتبه هستید!
- ۲ غمگین مشوید در حالی که در بهترین مراتب هستید اگر دوستدار وی باشید!
- ۳ هرگز غم مخورید، چه شما اگر او را دوست بدارید در بالاترین درجات قرار می‌گیرید!
- ۴ هیچ‌گاه غمگین مشوید در حالی که در بالاترین مرتبه اید تا زمانی که دوستدار او هستید!

(ترجمه ترکیبی) (سراسری ریاضی ۸۸)

۲۶. «كُنْتُ أَعْرِفُ كَاتِبًا قَدْ كَتَبَ أَكْثَرَ مَقَالَاتِهِ فِي صُحُفِ مَدِينَتِنَا!»:

- ۱ من نویسنده‌ای را شناختم که اکثر مقاله‌های او در روزنامه‌ی شهر ما به چاپ رسیده بود!
- ۲ نویسنده‌ای را می‌شناختم که بیش تر مقالات خود را در روزنامه‌های شهرمان نوشته بود!
- ۳ به نویسنده‌ای معرفی شدم که اکثر مقاله‌هایش در روزنامه‌ی شهرمان به چاپ رسیده است!
- ۴ با نویسنده‌ای آشنا شدم که بیش تر مقالات خویش را در روزنامه‌های شهری‌مان نوشت!

(ترجمه ترکیبی) (سراسری زبان ۸۸)

۲۷. «لا تتركوا شيئاً من أمر دينكم لإصلاح دُنْيَاكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يَفْتَحُ عَلَيْكُمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ!»:

- ۱ نباید دین را به‌خاطر اصلاح دنیای خود ترک کرد، زیرا باب آن‌چه که از آن ضرر بخش‌تر است بر شما باز می‌شود!
- ۲ آن‌چه از امور دینی است برای اصلاح دنیایان نباید رها شود، زیرا خداوند چیزی را بر شما می‌گشاید که از آن زیانبارتر است!

- ۳ چیزی از امر دینتان را بخاطر اصلاح دنیای خود ترک نکنید، که خدا آن‌چه را که ضررش از آن بیش‌تر است بر شما می‌گشاید!
- ۴ امری از امور دینتان را بخاطر امور دنیا رها نکنید، زیرا چیزهایی به شما روی می‌آورد که زیان آن‌ها بیش‌تر است!

(مکمل حوار، صفحه‌ی ۹، کتاب درسی)

۲۸. عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱ اليوم ذهب إلى سوق طهران لأشترى سروالاً لأخي،: امروز به بازار تهران رفتم تا شلواری برای برادرم بخرم!
- ۲ فوصلتُ إلى متجر كنتُ أعرف صاحبه،: پس به مغازه‌ای رسیدم که صاحبش را می‌شناختم!
- ۳ و بعد مشاهدة سرويله إنتخبْتُ أفضل نوعياته،: و پس از دیدن شلواریهایش، جنس بهترش را انتخاب نمودم!
- ۴ ثم أعطيته بعد التَّخْفِيفِ سَتِينَ أَلْفَ تومان!،: سپس بعد از تخفیف، شصت هزار تومان به او دادم!

(مشابه اختبر نفسک، صفحه‌ی ۷، کتاب درسی)

۲۹. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱ «و جادلهم بالتي هي أحسن»: و با آنان به روشی ستیز کرد که نیکوتر است!
- ۲ خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ!،: بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند!
- ۳ «مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ»،: آن‌که شهوتش بر خردش غلبه کند، از بدترین چارپایان است!
- ۴ «رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا»،: پروردگارا! ایمان می‌آوریم، پس برایمان بیامرز و بر ما رحم بفرما!

(مکمل التمرین السادس، صفحه‌ی ۱۳، کتاب درسی)

۳۰. عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجُمَةِ:

- ۱ إِنَّ اللَّهَ يُنَزِّلُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ!،: بی‌گمان خداوند آرامش خود را بر دل‌های مؤمنان نازل می‌فرماید!
- ۲ «لا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»،: خداوند به نفسی جز اندازه‌ی توانش تکلیف نمی‌کند!
- ۳ أَحَبُّ مِنَ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعَهُمُ لِلْعِبَادِ!،: محبوب‌ترین از میان بندگان خدا سودمندترینشان برای بندگان است!
- ۴ إِعْلَمُ أَنَّ السُّكُوتَ سِعْرُهُ أَغْلَىٰ مِنَ الْكَلَامِ!،: بدان که سکوت قیمتش گران‌تر از سخن است!

۳۱. عَيْنِ الْخَطَا فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

(ترجمه ترکیبی)

۱. الحمار حیوان یستخدَم للحمل و الرکوب! انسان از خر برای حمل و سواری استفاده می‌کند!
۲. قَدَمْتُ جَدَّتِي لَنَا مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ! مادربزرگم نصیحت‌های ارزشمندی به ما تقدیم کرد!
۳. لَا تَعْمُرِ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِ الْمَتَكْبِرِ الْجَبَّارِ! حکمت در قلب انسان متکبر ستمکار عمر نمی‌کند!
۴. قَرَبَ مَنْزِلَنَا مَصْنَعٌ مَصْنَعٌ فِيهِ الْحَقَائِبُ! نزدیک خانه‌مان کارخانه‌ای است که در آن کیف‌ها ساخته می‌شود!

۳۲. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

(مکمل متن درس، صفحه‌های ۳ و ۴، کتاب درسی)

۱. فِي مَكْتَبِنَا الْإِسْلَامِيِّ حُرْمُ الْإِسْتِهْزَاءِ بِالْآخِرِينَ! در مکتب اسلامی ما مسخره کردن دیگران حرام شده است!
۲. مَا أَجْمَلَ تَسْمِيَةَ النَّاسِ بِالْأَسْمَاءِ الْحَسَنَةِ! نام دادن به مردم با نام‌های نیکو زیباتر است!
۳. الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ سَبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ! غیبت عامل مهمی برای قطع ارتباط میان مردم است!
۴. تَنْصَحُنَا آيَةٌ مِنْ آيَاتِ سُورَةِ الْحُجُرَاتِ: لَا تَعْيَبُوا الْآخِرِينَ! یکی از آیات سوره‌ی حجرات ما را نصیحت می‌کرد: از دیگران عیب نگیرید!

۳۳. عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجُمَةِ:

(ترجمه‌ی ترکیبی) (سراسری زبان ۸۹)

۱. الظُّلْمُ عَلَى الضَّعِيفِ أَقْبَحُ الظُّلْمِ، وَ هَذَا الْعَمَلُ مَذْمُومٌ! ظلم بر ضعیف، زشت‌ترین ظلم است و این کار ناپسند است!
۲. الزَّاهِدُونَ يَجْتَنِبُونَ الْخَطِيئَاتِ، وَ هَؤُلَاءِ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ! زاهدان از خطاها دوری می‌کنند، و این‌ها پیش خدا محبوبند!
۳. النَّاسُ يُذْنِبُونَ وَ قَلِيلٌ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يَتُوبُونَ! مردم گناه می‌کنند و عده‌ی کمی از این‌ها گناه کارانی هستند که توبه می‌کنند!
۴. يَعْبُدُ الْعَابِدُونَ اللَّهَ فِي اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَ هَذَا اللَّيْلُ كَسْتَرٍ لَهُمْ! عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می‌کنند و این شب مانند پوششی برای آن‌هاست!

۳۴. عَيْنِ الْخَطَا فِي التَّرْجُمَةِ:

(ترجمه‌ی ترکیبی) (مشابه سراسری زبان ۹۲)

۱. مَنْ يَسْتَطِيعُ مِنْ بَيْنِنَا أَنْ يَفْهَمَ النَّصُوصَ الْأَدْبِيَّةَ! چه کسی از بین ما می‌تواند متون ادبی را بفهمد!
۲. كَانَ رَأْيُهُ صَاحِحاً وَ الْآخَرُونَ يَقْبَلُونَ رَأْيَهُ! نظرش درست بود و دیگران نظر او را می‌پذیرفتند!
۳. يَشْتَرِي النَّاسُ أَشْيَاءَ أَكْثَرَ مِمَّا هُمْ بِحَاجَةٍ إِلَيْهِ! مردم بیش‌تر کالاها را به خاطر نیازشان خریداری می‌کنند!
۴. عَزَمْتُ عَلَى أَنْ أَسَاعِدَهُ لِأَنِّي لَا أَشَاهِدُ تَقَدُّمًا فِي عَمَلِهِ! تصمیم گرفتم به او کمک کنم زیرا در کارش پیشرفتی نمی‌بینم!

۳۵. عَيْنِ مَا لَا يَنْسِبُ هَذَا الْبَيْتَ:

(مکمل التمرین الثالث، صفحه‌ی ۱۱، کتاب درسی)

«تا توانی ای برادر خلق نیکو پیشه کن / خلق نیکو مار را از لانه‌اش آزد به در!»

۱. حُسْنُ الْخَلْقِ نِصْفُ الدِّينِ!
۲. لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخَلْقِ الْحَسَنِ!
۳. «رَبَّنَا أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ»
۴. إِنَّمَا يُعِشْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!